

عنوان مقاله:

طنز مرگ و نمودهایی از آن در شعر شمس لنگرودی

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 25، شماره 83 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

علی صفایی - دانشیار دانشگاه گیلان

علی علیزاده جوبنی - دانشجوی دکتری دانشگاه گیلان

خلاصه مقاله:

یکی از شاخص های بنیادین طنز خنده آمیزبودن آن است، اما وقتی طنز مقوله های متعالی همچون مرگ را دست مایه قرار دهد، گاه با دورشدن از شاخص های بنیادی، مثل فرح بخشی، صراحت و آسان یابی، منش رهایی بخشی خود را از دست می دهد و به تلخ مایگی و اندوه کشیده می شود. از آنجاکه مرگ برای انسان همواره مقوله ای رازآمیز و تراژیک است، دست برد طنز در آن هرگز به گشایش و رهاییش قطعی نمی انجامد، بلکه صرفا می تواند با ایجاد غفلت آنی، ذهن مخاطب را از مرگ برگیرد و شادی موقتی در او پدید آورد. این مقاله نخست طنز مرگ را ژانری تلفیقی از طنز معرفی می کند و سپس، برای آشکارشدن بحث، نموده های طنز مرگ را با بررسی شواهدی از شعر شمس لنگرودی نشان می دهد. خواهیم دید که شمس درباب مرگ و هم بسته های آن همچون وحشت از رویارویی با مرگ، بیم فناپذیری و نابودگی، بیم و نگرانی از تجزیه و فروپاشی و... گاه از سازوکارهای متنوع طنزآفرینی استفاده م یکنند. این مقاله نشان می دهد که آنچه در مواجهه طنزآمیز شمس با مرگ برجستگی دارد، توجه به ترس و نگرانی انسان از قطعیت مرگ و تاکید بر بعد جسمانی و تنانه انسان در جهان طبیعت است

کلمات کلیدی:

مرگ، طنز، تراژدی، طنز مرگ، شمس لنگرودی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/833549>

